فرهنگ ماندگار مقاومت و بیداری امت اسلامی در اندیشه رهبری شهید



در منظومه فکری رهبری شهید، عاشورا صرفاً یک واقعه تاریخی یا حادثه‌ای محدود به سال ۶۱ هجری نیست، بلکه فرهنگی زنده، مستمر و تمدن‌ساز است که در طول تاریخ اسلام الهام‌بخش حرکت‌های اصلاحی، نهضت‌های آزادی‌خواهانه و مبارزات ضد استبدادی بوده است. از این منظر، کربلا نه یک خاطره تاریخی، بلکه الگویی دائمی برای حیات فردی و اجتماعی مسلمانان محسوب می‌شود؛ الگویی که در آن ایمان، بصیرت، مسئولیت‌پذیری، فداکاری و مقاومت در برابر ظلم به صورت کامل تجلی یافته است.

رهبری شهید عاشورا را «صحنه‌ای کامل از زندگی اسلامی یک انسان» توصیف می‌کند. این تعبیر نشان می‌دهد که حادثه کربلا تنها عرصه‌ای برای سوگواری نیست، بلکه مدرسه‌ای جامع برای تربیت انسان مسلمان و جامعه اسلامی است. در این مدرسه، انسان می‌آموزد چگونه در شرایط دشوار میان حق و باطل تمایز قائل شود، چگونه در برابر فشارها و تهدیدها از مسیر حق منحرف نشود و چگونه برای دفاع از ارزش‌های الهی از جان و مال خود بگذرد.

یکی از مهم‌ترین ابعاد تحلیل عاشورا در اندیشه رهبری شهید، پیوند میان نهضت حسینی و انقلاب اسلامی

است. ایشان معتقد است که «حادثه عظیم عاشورا پایه اصلی انقلاب اسلامی» بوده و «ثمره خون امام حسین(ع) به صورت نهال انقلاب اسلامی در سرزمین ما به بار نشسته است». این نگاه، انقلاب اسلامی را نه پدیده‌ای منفصل از تاریخ اسلام، بلکه امتداد تاریخی همان جریانی می‌داند که در کربلا برای احیای دین، مقابله با انحراف و مبارزه با سلطه شکل گرفت. از این منظر، ملت ایران با تجربه انقلاب اسلامی و مقاومت در برابر فشارهای بیرونی، در حقیقت راهی را پیموده است که امام حسین(ع) با قیام خود ترسیم کرد.

در این چارچوب، عاشورا بیش از هر چیز فرهنگ «نترسیدن از دشمن» را به مسلمانان می‌آموزد. رهبری شهید بارها تأکید کرده است که کربلا نمونه‌ای روشن برای اثبات این حقیقت است که بزرگی ظاهری دشمن نباید موجب تردید و عقب‌نشینی جبهه حق شود. در نگاه ایشان، قدرت‌های سلطه‌گر همواره می‌کوشند با نمایش توانایی‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی خود ملت‌ها را مرعوب سازند؛ اما تجربه عاشورا نشان می‌دهد که اراده، ایمان و استقامت می‌تواند بر چنین قدرت‌هایی غلبه کند. به همین دلیل، امام حسین(ع) در اندیشه ایشان نماد ایستادگی در برابر «قدرت طاغوتی» و مبارزه برای رهایی انسان‌ها از سلطه ظلم و استکبار است.

بعد دیگری که در این نگرش برجسته می‌شود، نقش مجالس عزاداری در حفظ هویت اسلامی و استمرار فرهنگ مقاومت است. از منظر رهبری شهید، فلسفه اصلی عزاداری صرفاً ابراز احساسات نیست، بلکه نزدیک شدن دل‌ها به اهداف و آرمان‌های امام حسین(ع) است. این مجالس زمانی کارکرد حقیقی خود را پیدا می‌کنند که بتوانند روحیه ایثار، مسئولیت‌پذیری، ظلم‌ستیزی و دفاع از ارزش‌های دینی را در جامعه تقویت کنند. به بیان دیگر، عزاداری هنگامی به رسالت تاریخی خود عمل می‌کند که پیوندی میان احساسات دینی و مسئولیت اجتماعی مسلمانان برقرار سازد.

نکته مهم دیگر در اندیشه رهبری شهید، جمع میان «درس» و «عبرت» در واقعه عاشوراست. ایشان تأکید می‌کند که کربلا هم آموزگار عمل است و هم هشداردهنده نسبت به انحرافات. درس عاشورا، الگوی رفتار امام حسین(ع) و یاران او در دفاع از حق است و عبرت عاشورا، شناخت عواملی است که جامعه اسلامی را به جایی رساند که فرزند پیامبر(ص) در آن به شهادت رسید. این دو بعد در کنار یکدیگر می‌توانند ضامن سلامت و پویایی جوامع اسلامی باشند.

امروز که جهان اسلام با چالش‌هایی همچون تفرقه، سلطه خارجی، جنگ‌های نیابتی و بحران هویت مواجه است، بازخوانی فرهنگ عاشورا می‌تواند نقشی راهبردی در تقویت وحدت و بیداری امت اسلامی ایفا کند.

عاشورا در این نگاه، متعلق به یک مذهب یا یک قوم نیست، بلکه سرمایه مشترک همه مسلمانان و نماد جهانی مبارزه با ظلم، دفاع از کرامت انسانی و پایداری در مسیر حق است. از همین رو، هرگونه تلاش برای تبدیل عاشورا به موضوعی اختلاف‌برانگیز، در تعارض با پیام اصلی این نهضت قرار دارد.

بر اساس این رویکرد، عاشورا نه فقط یادآور یک شهادت بزرگ، بلکه منشوری برای حیات امت اسلامی است؛ فرهنگی که به مسلمانان می‌آموزد در برابر ظلم سکوت نکنند، از دشمن هراس نداشته باشند، به وعده الهی اعتماد کنند و برای حفظ دین و عزت امت اسلامی از هیچ فداکاری دریغ نورزند.

امید علی پور

سردبیر سایت های مجمع جهانی تقریب مذاهب